

رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری شرطی حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مینا رشیدیان^۱، عسگر پاک مرام^۲، جعفر بیک زاده^۳

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۸/۱۷

چکیده

نظارت بهتر توسط مکانیزم‌های نظام راهبری شرکتی، منجر به محافظه‌کاری بیشتر در صورت‌های مالی برای اطمینان از صحت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی و اطمینان از عدم اقدامات یک‌جانبه مدیریت به نفع خویش می‌گردد. هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری شرطی حسابداری است. در این پژوهش، برای سنجش محافظه‌کاری شرطی از معیار محافظه‌کاری مبتنی بر اقلام تعهدی (مدل بال و شیواکومار) استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. که با روش حذفی، ۸۳ شرکت در نمونه آماری این پژوهش قرار گرفته‌اند، دوره زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ است. برای آزمون فرضیه‌های صورت بندی شده از رگرسیون چندگانه خطی و آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل بهره‌گیری شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد درصد مالکیت دولتی بر سطح محافظه‌کاری شرطی حسابداری تأثیر دارد و از بین متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل، (اندازه شرکت و اهرم مالی) اندازه شرکت رابطه‌ی مثبت با محافظه‌کاری شرطی داشته و اهرم مالی رابطه منفی با محافظه‌کاری شرطی حسابداری دارد.

واژه‌های کلیدی: مالکیت دولتی، محافظه‌کاری شرطی حسابداری، اقلام تعهدی

طبقه‌بندی موضوعی: M41

۱ کارشناس ارشد مدیریت دولتی-مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، (mina_rashidian@Gmail.com)

۲ استادیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، (نویسنده مسئول)، (pakmaram@Gmail.com)

۳ استادیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، (beikzad_jafar@yahoo.com)

مقدمه

محافظه‌کاری که یکی از مهمترین میثاق‌های محدود کننده صورت‌های مالی به شمار می‌رود، بر اعمال احتیاط در شناسایی و اندازه‌گیری در آمد و دارایی‌ها دلالت دارد. بدون تردید، محافظه‌کاری جایگاه بی‌نهایت مهمی در باورهای حسابداران دارد؛ در واقع حتی عده‌ای آن را اصل حسابداری نامیده‌اند (بیکس و دیگران ۲۰۰۴). محافظه‌کاری در بیان افراطی، بیان همان مسئله سنتی است که بیان می‌دارد: "هیچ سودی را پیش بینی نکن اما همه زیان‌ها را پیش بینی کن". باسو (۱۹۹۷) این ضرب‌المثل را به عنوان تمایل حسابداری بر لزوم میزان قابلیت رسیدگی (تاییدپذیری)^۱ بالاتر، برای شناسایی سودهای عملیاتی نسبت به زیان‌های عملیاتی تفسیر می‌کند. علیرغم انتقادهایی که تاکنون به محافظه‌کاری شده است، محافظه‌کاری در حسابداری برای قرن‌ها دوام پیدا کرده و به نظر می‌رسد در چند دهه گذشته افزایش یافته است.

محافظه‌کاری از گذشته دور در تئوری حسابداری مطرح بوده و در عمل هنگام تهیه صورت‌های مالی به عنوان یکی از ابزارهای حمایت از حقوق مالکان اعمال می‌گردیده است. توجه پیوسته و مستمر به این مفهوم و اهمیت دادن به آن در تدوین استانداردهای حسابداری می‌تواند نشان دهنده آن باشد که بکارگیری و اعمال رویه‌های محافظه کارانه از ویژگی فزونی منافع بر مخارج برخوردار است.

شرکت‌ها به عنوان واحدهای اقتصادی، همواره به دنبال سودآوری و دستیابی به ثروت بیشتر هستند. به علل گوناگونی که مهمترین آنها جدایی مالکیت از مدیریت است، شرکت‌ها علاوه بر وظیفه انجام فعالیت‌های اقتصادی، وظیفه پاسخگویی به افراد بیرون از شرکت را نیز بر عهده دارند. براساس شواهد تجربی کاراترین شکل پاسخگویی، گزارشگری مالی است. با ورشکستگی شرکت‌های بزرگ نظیر: انرون، ورلد کام و... اعتبار اعداد و ارقام حسابداری که مهمترین بخش گزارشگری مالی را تشکیل می‌دهند، به شدت زیر سوال رفته؛ به طوری که سرمایه‌گذاران اعتمادی به صورت‌های مالی تهیه شده توسط مدیریت ندارند (دیندار یزدی، ۱۳۸۹). این ورشکستگی‌ها سؤالی درباره نقش حاکمیت شرکتی و دیگر عوامل اطمینان بخش درباره شفافیت و کامل بودن گزارشگری مالی ایجاد می‌کند. ارائه گزارشگری مالی فریب دهنده، مانند تأیید سوء استفاده‌های گوناگون حسابداری در این شرکت‌ها باعث واکنش بازار و قانون به بهتر شدن محیط حاکمیت شرکتی در آمریکا و دیگر نقاط جهان شده است. حاکمیت

شرکتی مؤثر به انطباق ویژگی‌های محیطی و سازمانی به هم، مربوط است. سهامداران در نظارت بر مدیریت، می‌توانند به سازوکارهای متفاوت از حاکمیت شرکتی، همانند استقلال هیئت مدیره و حسابرس مستقل اعتماد کنند. عوامل حاکمیت شرکتی برای حسابرس در فرآیند حسابرسی برای گواهی گزارشگری مالی اهمیت دارد (دیسندر و همکاران، ۲۰۱۱).

یکی از مهمترین ویژگی‌های بازارهای سرمایه نوپا، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، وجود سرمایه‌گذاران عمده و تملک بخش اعظمی از حقوق مالکانه شرکت‌ها توسط آنان است. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. حضور سرمایه‌گذاران عمده، از جمله سازمان‌های بزرگ دولتی، و موسسات مالی در بازار سرمایه این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا ساختار مالکیت می‌تواند در جهت ارائه اطلاعات مالی با کیفیت بالا که موجب کارآتر شدن بازار و تصمیم‌گیری‌های بهتر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و در نتیجه تخصیص بهتر سرمایه به صنایع با ارزش افزوده بالاتر می‌شود، مؤثر باشد و یا اینکه باید تغییراتی در نحوه تخصیص سرمایه بین سهامداران مختلف، مخصوصاً نهادها، سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ صورت گیرد؟ آیا لازم است برای دستیابی به بازاری کارآتر تغییراتی در ساختار مالکیت شرکت‌ها ایجاد کنیم و حتی محدودیت‌هایی را برای سرمایه‌گذاری طبقات خاصی از سهامداران در نظر بگیریم؟

در سال‌های اخیر ساختار مالکیت و تأثیر آن بر ابعاد مختلف شرکت‌ها، از جمله کیفیت سود به دلیل رواج آن در اکثر کشورها و به خصوص در میان اقتصادهای در حال رشد و بازارهای نوپای اروپا و آسیا، به عنوان یکی از مسائل مهم در ادبیات حاکمیت شرکتی مطرح شده است. این موضوع بدان جهت اهمیت دارد که اخیراً، سود محافظه‌کارانه به نوعی سود باکیفیت تلقی شده و عدم تقارن در شناسایی سودها و زیان‌ها (شناسایی سریعتر زیان‌ها نسبت به سودها)، قابلیت اتکای اعداد صورت‌های مالی را افزایش داده است. از طرف دیگر بررسی متون و مطالعات مختلف نشانگر این است که مالکان عمده شرکت‌ها، با یک افق دید بلندمدت، شرکت‌ها را مدیریت نموده، از تقسیم سودهای آتی (در پی ارائه سودهای واهی) جلوگیری می‌نمایند و یا با افق دید کوتاه مدت، مدیریت را به ارائه سودهای بالا تحریک می‌کنند تا از افزایش قیمت ناشی از تعدیل‌های سود مثبت استفاده نمایند، همچنان به عنوان یک موضوع قابل تحقیق باقی مانده است (حساس یگانه و شهریاری، ۱۳۸۹). با این حال، تأثیر مالکیت دولتی

بر میزان اعمال محافظه کاری شرکت‌ها هنوز به خوبی بسط نیافته و مورد توجه قرار نگرفته است.

ادامه مقاله به شرح زیر سازمان یافته است: در ادامه چارچوب نظری و فرضیه پژوهش مطرح گشته، پیشینه‌ای از مطالعه حاضر بیان می‌شود. در قسمت سوم روش پژوهش، مدل رگرسیون مورد استفاده و متغیرهای مطالعه شرح داده شده‌اند و در قسمت چهارم، نتایج آماری پژوهش و در بخش انتهایی نیز نتیجه گیری ارائه شده است.

ادبیات و چارچوب نظری پژوهش

محافظه کاری شرطی حسابداری

اولین بار در سال ۱۹۲۴ بلیس محافظه کاری را این گونه تعریف نموده است: «هیچ سودی را پیش بینی نکنید؛ اما همه زیان‌ها را پیش بینی کنید». این تعریف بلیس از محافظه کاری، مبنای تعریف محافظه کاری شرطی حسابداری است. لیکن به نظر می‌رسد این تعریف بر مفهوم افراطی محافظه کاری شرطی دلالت دارد که شناسایی تمام زیان‌ها و عدم شناسایی هرگونه سودی است. در محافظه کاری شرطی افراطی، سودها تنها زمانی شناسایی می‌شوند که قابلیت تایید پذیری صددرصد داشته باشند. محافظه کاری شرطی افراطی پسندیده نیست؛ دلیل آن هزینه‌ای است که از به موقع نبودن اطلاعات ناشی می‌شود. تاخیر در شناسایی سودها که اطلاعات مربوط به آن‌ها قابلیت رسیدگی بالایی دارند، هم برای هدف تعیین پاداش برای مدیران و هم برای هدف تصویب سود نقدی برای سهامداران هزینه بر هستند. به کارگیری قاعده قابلیت رسیدگی، اجازه پرداخت پاداش را، به موقع - تر از زمانی می‌دهد که محافظه کاری افراطی برای پرداخت پاداش تعیین می‌نماید (حساس یگانه و شهریاری ۱۳۸۹).

حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از مکانیزم‌های کنترلی درون شرکتی و برون شرکتی می‌باشد که تعادل مناسب میان حقوق صاحبان سهام از یک سو و نیازها و اختیارات هیئت مدیره را از سوی دیگر برقرار می‌نماید و در نهایت این مکانیسم‌ها اطمینان معقولی را برای صاحبان سهام و تهیه کنندگان منابع مالی و سایر گروه‌های ذینفع فراهم می‌نماید مبنی بر اینکه سرمایه گذارانشان

با سود معقولی برگشت شده و مکانیزم ارزش آفرینی لحاظ خواهد شد (مشایخی و اسماعیلی، ۱۳۸۵).

ساختار مالکیت و محافظه کاری حسابداری

در مورد ارتباط میان ساختار مالکیت و کیفیت سود (محافظه کاری) تاکنون سه فرضیه ارائه شده است: فرضیه اول، فرضیه نظارت فعال است. طرفداران این فرضیه، این گونه استدلال می کنند که بلوک داران، سرمایه گذاران بلند مدت نگری هستند که انگیزه و توانایی زیادی برای نظارت فعالانه مدیران دارند (بروس و کینی، ۱۹۹۴؛ حساس یگانه و شهریاری، ۱۳۸۹). در حمایت از این فرضیه، طرفداران آن دو دلیل را ذکر می کنند؛ اول این که اگر چه سهامداران بزرگ اختیار فروش سرمایه گذارهای خود را دارند، ولی بزرگی اندازه سرمایه آنها به حدی است که سهام در اختیارشان بدون تحت تأثیر قراردادان قیمت های سهام و کاهش ارزش آن قابل فروش نیست و بنابراین، آنها مجبورند که استراتژی بلند مدتی را بپذیرند و این باعث انگیزه بیشتر آنها برای نظارت فعالانه مدیر می شود. دوم این که بلوک داران نسبت به سهامداران کوچک توانایی بالاتری برای ارزیابی دقیقتر و کاراتر صورت های مالی دارند، چون اکثر آنها از میان سرمایه گذاران نهادی و سازمان ها و شرکت های بزرگ هستند که امکانات بالاتری را در اختیار دارند.

برای مثال، هند (۱۹۹۰) به این نتیجه می رسد که سرمایه گذاران با تجربه اطلاعات موجود در سودهای اعلام شده را دقیق تر تفسیر می کنند. شپیر در سال ۱۹۸۹ به این نتیجه می رسد که گروه های استفاده کننده متمرکز با تخصص مالی زیاد، منافع با اهمیت در شرکت ها، و بدون هیچ گونه محدودیتی در رفتارهایشان، نمایندگان احتمالی برای برگشت دادن دستکاری های سود هستند.

با توجه به دلایل ذکر شده، می توان گفت که بلوک داران رفتار مدیران را در ارتباط با گزارش سودهای بی کیفیت اصلاح کنند و در نهایت محافظه کاری بیشتری اعمال نمایند.

در مقابل فرضیه نظارت فعال، دو فرضیه رقیب وجود دارد: ۱- فرضیه منافع شخصی؛ ۲- فرضیه اتحاد استراتژیک. طرفداران فرضیه منافع شخصی بر این باورند که احتمال بیشتری وجود دارد که سرمایه گذاران بزرگ از منافع خاصی، همچون دسترسی به اطلاعات محرمانه که می تواند در جهت اهداف معاملاتی استفاده شود، بهره ببرند (کیم، ۱۹۹۳؛ حساس یگانه و

شهریاری، ۱۳۸۹). زمانی که مالکیت متمرکز می‌شود، این مسأله توجیه پذیر به نظر می‌رسد که سهامداران بزرگ از حقوق کنترلی خود در جهت کسب منافع و استثمار سهامداران کوچک استفاده کنند. اگر فرضیه فوق صحیح باشد، بلوک داران ممکن است تشویق نشوند که مدیران را برای گزارش سودهای محافظه کارانه ترغیب کنند و این می‌تواند نشانه رابطه منفی بین سرمایه‌گذاران بزرگ و محافظه کاری باشد. در حمایت از وجود رابطه منفی بین سرمایه‌گذاران عمده و محافظه کاری، فرضیه اتحاد استراتژیک می‌گوید که بلوک داران و مدیران همکاری و تبانی دو جانبه را به نفع یکدیگر می‌بینند و این همکاری، نظارت بر مدیران را که ممکن است ارزش شرکت را بالا ببرد، کاهش می‌دهد و درک سایر سهامداران را در مورد کیفیت سود تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد، چون آنها رابطه نزدیک بین مدیران و بلوک داران را باعث مورد استثمار واقع شدن شان قلمداد می‌کنند و بر این اساس رابطه منفی بین مالکیت عمده و محافظه کاری قابل مشاهده خواهد بود (پاند، ۱۹۸۸؛ حساس یگانه و شهریاری، ۱۳۸۹).

پیشینه پژوهش

بال و شیواکومار (۲۰۰۵) معتقدند که محافظه کاری شرطی می‌تواند به شکل بالقوه به بهبود کارایی قراردادهای بدهی و پاداش منجر شود. در قراردادهای بدهی، شناسایی زودتر زیان‌ها نسبت به شناسایی سودها، وام دهنده‌ها را در فهمیدن سریعتر تخطی از قرارداد یاری می‌رساند. اما محافظه کاری غیر شرطی نمی‌تواند موجب ارتقای کارایی قراردادهای شود و تنها یک سوگیری حسابداری است که سرمایه‌گذاران و سایر طرفین قراردادهای می‌توانند برای تعدیل پیش‌بینی‌ها از آن استفاده کنند.

براون، هی و تیتیل (۲۰۰۶) با استفاده از نمونه‌هایی از شرکت‌های ۲۰ کشور، بررسی کردند که آیا محافظه کاری مشروط محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آن‌ها دریافتند که ارتباط محافظه کاری مشروط با محتوای اطلاعاتی عایدات حسابداری به سطح (استفاده از روش) تعهدی آن کشور بستگی دارد. در کشورهایی با سطح تعهدی بیشتر محافظه کاری مشروط با محتوای اطلاعاتی رابطه مثبت دارد. نتایج آن‌ها با این موضوع که محافظه کاری مشروط نقش قراردادی مفیدی در کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیریت در استفاده از اقلام

تعهدی دارد، سازگار است. هرچند، نتایج آن‌ها بیانگر این است که مزایای محافظه کاری مشروط محیطی (بستگی به شرایط دارد) و در کشورهایی با سطح تعهدی پایین تر مزیتی ندارد. گارسیا و لارا و دیگران (۲۰۰۹)، به بررسی ارتباط بین ویژگی‌های هیئت مدیره و محافظه کاری با استفاده از ۱۹۳ شرکت اسپانیایی طی دوره ۲۰۰۲-۱۹۹۷ پرداختند. جهت بررسی معیارهای نظام راهبری شرکتی از معیارهای بیرونی نظام راهبری شرکتی نظیر شاخص گمپرز و معیارهای درونی نظیر تفکیک ریاست هیئت مدیره از مدیر عامل، نسبت مدیران موظف و تعداد جلسات هیئت مدیره استفاده گردید. روش مورد استفاده آن‌ها جهت سنجش محافظه کاری روش باسو (۱۹۹۷)، و ارقام تعهدی بال و شیوا کومار (۲۰۰۵) و گیولی و هاین (۲۰۰۰) بود. نتیجه چنین شد که نظام راهبری شرکتی قوی نقش مهمی در استفاده از محافظه کاری برای هشدار به ذینفعان جهت بررسی علل موضوع دارد.

چی و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقی تحت عنوان «رابطه ی حاکمیت شرکتی با محافظه کاری از معیار C-Score خان و واتز (۲۰۰۷) برای سنجش محافظه کاری حسابداری استفاده کردند. آن‌ها در بین شرکت‌های بورس تایوان و از سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌هایی که بیشتر سهام‌شان در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی بوده و همچنین اندازه ی هیئت مدیره ی بزرگی دارند نیاز به حسابداری محافظه کارانه کمتر است. از طرف دیگر در شرکت‌هایی که بیشتر سهام آن‌ها در اختیار مدیریت بوده و همچنین شرکت‌هایی که وظیفه ی رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل بر عهده ی یک شخص است، نیاز به سیستم گزارشگری محافظه کارانه در آن‌ها بیشتر احساس می‌شود.

گل و همکاران (۲۰۱۲)، اثر ساز و کارهای نظام رهبری شرکتی را بر تقلیل هزینه‌های نمایندگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس کراچی (پاکستان) طی سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۶، مورد آزمون قرار دادند. محققین از نرخ گردش دارایی‌ها جهت اندازه گیری هزینه‌های نمایندگی و از متغیرهای مالکیت مدیریتی، مالکیت نهادی، مالکیت بیرونی، اندازه هیئت مدیره، انتصاب توأمان به سمت‌های ریاست هیئت مدیره و مدیرعامل، ساختار پاداش و استقلال هیئت مدیره به عنوان سازوکارهای نظام راهبری شرکتی استفاده کردند. نتایج نشان داد مالکیت مدیریتی و نهادی و سایر سازو کارهای نظام راهبری شرکتی (به استثنای اندازه هیئت مدیره) رابطه‌ای مثبت با نرخ گردش دارایی دارند و موجب کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شوند.

احمد و دونلمن (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "اطمینان بیش از حد مدیریتی و محافظه کاری حسابداری" به بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی پرداخته و همچنین، نقش نظارت خارجی قوی را بر این تأثیرات بررسی کرده‌اند و نشان دادند که اطمینان بیش از حد مدیریتی باعث کاهش محافظه کاری شرطی و غیر شرطی شده و نظارت خارجی قوی سبب کاهش تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری نمی‌گردد.

رضازاده و آزاد (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان "رابطه بین عدم تقارن اطلاع آینده و محافظه کاری در گزارش گری مالی" پرداخته و به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت و معنی دار میان عدم تقارن اطلاعات آینده بین سرمایه‌گذاران و سطح محافظه کاری اعمال شده در صورت‌های مالی وجود دارد و با افزایش عدم تقارن اطلاع آینده بین سرمایه‌گذاران، تقاضا به اعمال محافظه کاری در گزارش گری مالی افزایش می‌یابد.

اعتمادی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود به بررسی ارتباط بین میثاق محافظه کاری و اجزاء هزینه‌های تامین مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و ارائه مدلی برای پیش بینی میزان رعایت محافظه کاری حسابداری در شرکت‌ها پرداختند. نتیجه یافته‌های آنها حاکی از وجود همبستگی بین برخی از اجزاء هزینه تامین مالی با محافظه کاری حسابداری و ارائه مدلی برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری می‌باشد.

حساس یگانه و شهریاری (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار تهران" به این نتیجه رسیدند که با در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی، از قبیل: اندازه، رشد و... رابطه منفی معناداری میان تمرکز مالکیت و محافظه کاری وجود دارد که این نتیجه گیری مطابق با فرضیه‌های منافع شخصی و اتحاد استراژیک و ناهماهنگ با فرضیه نظارت فعال است.

فروغی و عباسی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل موثر بر اعمال محافظه کاری حسابداری" تأثیر عوامل مختلف را بر محافظه کاری حسابداری آزمون کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد ارتباط بین محافظه کاری با اندازه شرکت و میانگین عمر شرکت منفی است. همچنین ارتباط بین محافظه کاری با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، اهرم مالی، میانگین عدم اطمینان خاص شرکت و میانگین عکس معیار طول چرخه‌ی سرمایه گذاری مثبت و معنادار است.

فرضیه‌های پژوهش

با تعمق در پژوهش‌های انجام شده در دنیا جهت پاسخگویی به پرسش‌های مطرح شده و دستیابی به هدف پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین شده است.

فرضیه اول) بین مالکیت دولتی و محافظه کاری شرطی حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم) محافظه کاری شرطی در شرکت‌های با درصد مالکیت دولتی بالا متفاوت از شرکت‌های با درصد مالکیت دولتی پایین است.

جامعه آماری، نمونه آماری و قلمرو زمانی تحقیق

در پژوهش حاضر برای تعیین نمونه آماری، از رابطه خاصی جهت برآورد حجم نمونه و نمونه‌گیری استفاده نشده است بلکه از روش حذفی استفاده گردیده است. به عبارت دیگر آن دسته از شرکت‌های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا بودند، به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف شده‌اند شرایط انتخاب نمونه در زیر ارائه شده است.

۱. برای رعایت قابلیت مقایسه پذیری آنها، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد.

۲. طی قلمرو زمانی پژوهش، هیچگونه توقف فعالیت نداشته و دوره مالی خود را تغییر نداده باشند.

۳. کلیه اطلاعات مورد نیاز از شرکت‌ها برای پژوهش در دسترس باشد.

۴. جزء بانک‌ها و موسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گران مالی، شرکت‌های هلدینگ، لیزینگ‌ها و بیمه) نباشند.

با اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۸۳ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ در نمونه آماری این پژوهش قرار گرفته است.

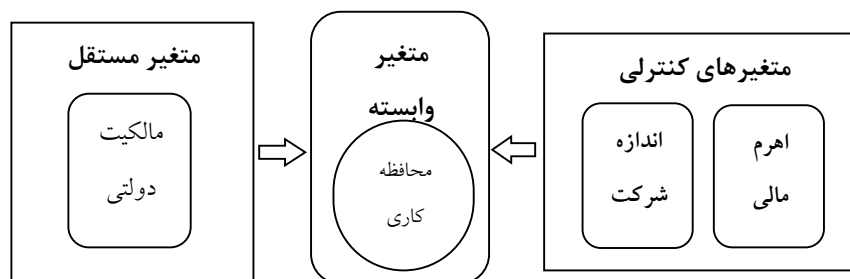
روش‌ها و ابزار تحلیل داده‌های پژوهش

پس از جمع‌آوری داده‌هایی که برای انجام پژوهش مورد نیاز است، انتخاب ابزاری مناسب به منظور محاسبه و تحلیل اطلاعات مربوط به متغیرها، اهمیت خاصی دارد. به منظور انجام

محاسبات و آماده نمودن داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش و همچنین تحلیل آنها، از نرم افزارهای *Excel* و *SPSS* (نسخه ۱۸) استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش و تعاریف عملیاتی آنها

با توجه به این که در این مطالعه رابطه مالکیت دولتی و محافظه کاری شرطی حسابداری مورد بررسی قرار گرفته است، محافظه کاری حسابداری به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده که برای محاسبه آن از مدل بال و شیواکومار استفاده می‌شود و درصد مالکیت دولتی نیز به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده، همچنین در این پژوهش برخی از ویژگی‌های خاص شرکت مثل اندازه شرکت و اهرم مالی به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند.



شکل (۱): فلوجارت متغیرهای پژوهش

مدل چند متغیره رگرسیونی آزمون فرضیه تحقیق به شکل زیر می‌باشد.

$$\varepsilon_{it} + \text{CONSER_C}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{GOV_OWN}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it}$$

- CONSER_C_{it} : عبارت است از شاخص محافظه کاری شرطی حسابداری

- GOV_OWN_{it} : عبارت است از درصد مالکیت دولتی

- SIZE_{it} : عبارت است از شاخص اندازه شرکت

- LEV_{it} : عبارت است از اهرم مالی

متغیر وابسته

در این پژوهش به پیروی از مالکیت دولتی و محافظه کاری شرطی حسابداری برای سنجش محافظه کاری شرطی حسابداری از معیار محافظه کاری مبتنی بر ارقام تعهدی (مدل بال و شیوا کومار) استفاده شده است که مدل مزبور به شرح زیر است:

$$TACC_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 * DCFO_{i,t} + \alpha_2 * CFO_{i,t} + \alpha_3 * DCFO_{i,t} * CFO_{i,t} + \varepsilon_i$$

که در آن:

$$TACC = \text{مجموع ارقام تعهدی}$$

ارقام تعهدی از تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی بعلاوه هزینه استهلاک بدست می آید. (بال و شیوا کومار ۲۰۰۵)

$$CFO = \text{جریان نقد حاصل از عملیات}$$

$DCFO =$ یک متغیر مجازی است که اگر CFO منفی باشد مقدار این متغیر معادل یک و در غیر این صورت برابر با صفر است.

α_3 در این مدل معیار محافظه کاری برای شرکت آدر دوره مورد بررسی است. در این رابطه α_2 همبستگی بین ارقام تعهدی و جریانهای نقدی در هنگام وجود اخبار خوب و $\alpha_2 + \alpha_3$ همبستگی بین ارقام تعهدی و جریانهای نقدی در هنگام وجود اخبار بد را اندازه گیری می کند. محافظه کاری بدین معنی است که در هنگام وجود جریانهای نقد منفی، ارقام تعهدی نیز به دلیل شناسایی سریع تر زیانهای تحقق نیافته، با احتمال بیشتری منفی هستند، در حالی که این رابطه در هنگام وجود جریانهای نقد مثبت وجود ندارد. بنابراین، هر چه α_3 بزرگتر باشد رفتار نامتقارن در قبال سود و زیانهای اقتصادی (اخبار خوب و بد) بیشتر و در نتیجه محافظه کاری بیشتر خواهد بود بال و شیوا کومار، ۲۰۰۵، ۹۳ و مهرانی و همکاران، ۱۳۸۸)

متغیرهای مستقل

متغیر مستقل در این پژوهش درصد مالکیت دولتی است که نشان دهنده مجموع سهام در اختیار ارگانهای دولتی و شبه دولتی می باشد.

متغیرهای کنترلی

۱- اندازه شرکت: که از لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های پایان دوره بدست می‌آید. زیمرمن (۱۹۸۳) بیان می‌کند که شرکت‌های بزرگتر به علت وجود حساسیت‌های سیاسی بیشتر، محافظه کاری بیشتری اعمال می‌نمایند (تئوری هزینه سیاسی)

۲- اهرم مالی: برابر است با مجموع بدهی‌ها بر مجموع دارایی‌های انتهای دوره

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

نتایج حاصل از تحلیل توصیفی داده‌ها در نگاره ۱ ارائه شده است.

نگاره (۱): تحلیل توصیفی داده‌های تحقیق

متغیر	علامت	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	چولگی	کشیدگی	انحراف معیار	حد اقل	حد اکثر
مالکیت دولتی	GOV_OW N	۴۹۸	۰/۱۹۲	۰/۰۵۵	۱/۳۱۳	۰/۶۹۸	۰/۲۵۳	۰/۰۰۰	۰/۹۵
اندازه شرکت	SIZE	۴۹۸	۱/۷۵۶	۱/۵۶۰	۰/۶۱۳	۰/۶۷۴	۱/۳۶۵	۹	۱۶/۱۶
اهرم مالی	LEV	۴۹۸	۰/۶۱۵	۰/۶۲۷	۰/۲۴۷	۰/۳۴۰	۰/۱۹۵	۰/۰۰۰	۰/۹۳
محافظه کاری شرطی	CONSER_c	۴۹۸	۰/۱۴۹	۰/۱۱۰	۰/۲۳۳	۰/۱۵۹	۰/۷۸۴	۲/۱۲	۲/۰۱

نتایج آماره‌های توصیفی نشان می‌دهد میانگین محافظه کاری شرطی حسابداری در شرکت‌های نمونه برابر با ۰/۱۴۹ می‌باشد، حداقل محافظه کاری برابر با ۲/۱۲- و حداکثر برابر با ۲/۰۱ می‌باشد. همچنین شرکت‌های نمونه به طور متوسط ۶۱/۵٪ درصد از اهرم مالی استفاده می‌نمایند. میانگین مالکیت دولتی در بین مشاهدات نیز برابر با ۱۹/۲٪ درصد می‌باشد. سایر نتایج در نگاره بالا ارائه شده است.

بررسی نحوه توزیع داده‌ها

برای آزمون فرضیه فوق از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف استفاده شده است که نتایج در نگاره ۲ ارائه شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف

متغیر	علامت	آماره Z	سطح معنی داری آماره Z (P-Value)
مالکیت دولتی	GOV_OWN	۴/۹۹۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۱/۱۸۴	۰/۱۰۷
اهرم مالی	LEV	۱/۲۷۴	۰/۰۹۵
محافظه کاری شرطی	CONSER_c	۰/۹۳۱	۰/۳۵۲

نتایج آزمون (k-s) نشان می‌دهد که توزیع متغیر وابسته تحقیق (محافظه کاری شرطی حسابداری) از توزیع نرمال پیروی می‌کند. همچنین نتایج نشان می‌دهد توزیع متغیرهای اندازه شرکت و اهرم مالی نیز نرمال می‌باشد.

نگاره همبستگی بین متغیرها

در این تحقیق جهت تعیین همبستگی بین متغیرهای کمی از همبستگی پیرسون استفاده شده است که ماتریس همبستگی بین متغیرها در نگاره ۳ ارائه شده است.

نگاره (۳): ماتریس همبستگی پیرسون

متغیر	علامت	GOV_OWN	CONSER_c	SIZE	LEV
مالکیت دولتی	GOV_OWN	۱			
محافظه کاری شرطی	CONSER_c	۰/۱۲۳ **	۱		
اندازه شرکت	SIZE	۰/۱۲۵ **	۰/۱۱۶ **	۱	
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۱۱	-۰/۱۱۹ **	-۰/۰۰۷	۱

* و ** معنی دار به ترتیب در سطح ۹۵٪ و ۹۹٪ اطمینان

نتایج ماتریس همبستگی بین متغیرها که در نگاره ۳ ارائه شده است، نشان می‌دهد مالکیت دولتی با محافظه کاری شرطی حسابداری و اندازه شرکت همبستگی مثبت و معنی داری دارد. همچنین، نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد محافظه کاری شرطی حسابداری نیز با اندازه شرکت همبستگی مثبت و با اهرم مالی همبستگی منفی و معنی داری دارد.

نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه اول بیان می‌دارد:

بین مالکیت دولتی و محافظه کاری شرطی حسابداری رابطه وجود دارد.

برای آزمون فرضیه اول از مدل چند متغیره زیر استفاده شده است:

$$CONSER_C_{i,t} = \alpha + \beta_1(GOV_OWN_{i,t}) + \beta_2(SIZE_{i,t}) + \beta_3(LEV_{i,t}) + \varepsilon_{i,t}$$

نتیجه آزمون مدل فرضیه فوق در نگاره ۴ ارائه شده است.

نگاره (۴): نتایج آزمون فرضیه اول

نام متغیر	نماد	ضریب (Beta)	آماره t	سطح	
				معنی داری	بررسی هم خطی
				مقادیر	شاخص وضعیت
مقدار ثابت	α		-۰/۹۷۸	۰/۳۲۸	-
مالکیت دولتی	β_1 (GOV_OWN)	۰/۱۰۹	۲/۴۶۲	۰/۰۰۱۴	۰/۹۸۴
اندازه شرکت	β_2 (SIZE)	۰/۱۰۲	۲/۲۸۵	۰/۰۰۲۳	۰/۹۸۴
اهرم مالی	β_3 (LEV)	-۰/۱۱۷	-۲/۶۵۰	۰/۰۰۸	۱
کل مدل رگرسیون	آماره F	P-Value	آماره دوربین-واتسون (D-W)	ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده	
	۱۲/۷۱۱	۰/۰۰۰	۱/۹۸۴	R ² =۰/۱۵۸ AdjR ² =۰/۱۴۳	

نتایج آزمون نشان می‌دهد بین مالکیت دولتی و محافظه کاری شرطی حسابداری رابطه معنی دار و مثبتی وجود دارد. بنابراین، فرضیه اول تحقیق را نمی‌توان در سطح خطای ۵٪ رد نمود. همچنین، نتایج تحقیق نشان می‌دهد از بین متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل، اندازه شرکت رابطه مثبت با محافظه کاری شرطی داشته و اهرم مالی رابطه منفی با محافظه کاری شرطی حسابداری دارد. در ضمن رابطه هر دو متغیر کنترلی با متغیر وابسته در سطح اطمینان ۹۵٪ است.

نتایج آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم بیان می‌دارد:

محافظه کاری شرطی در شرکت‌های با درصد مالکیت دولتی بالا متفاوت از شرکت‌های با درصد مالکیت دولتی پایین است.

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه دوم

آزمون تساوی میانگین دو گروه (آزمون t مستقل)		آزمون تساوی واریانس دو گروه (آزمون لوین)		میانگین دو گروه (محافظه کاری شرطی حسابداری)	
سطح معنی داری (P-) (Value)	آماره (t)	سطح معنی داری (P-) (Value)	آماره (F)	مالکیت دولتی پایین	مالکیت دولتی بالا
۰/۰۲۹	۲/۱۹۸	۰/۰۰۹	۶/۸۲۶	۰/۰۸۹	۰/۲۵۴

با توجه به نتایج آزمون مقایسه میانگین دو جامعه که در نگاره ۵ ارائه شده است، مقدار آماره‌ی F برابر با ۶/۸۲۶ و سطح معنی داری آن برابر با ۰/۰۰۹، کمتر از سطح خطای مورد پذیرش می‌باشد. بنابراین، فرض برابری واریانس‌های دو گروه رد می‌شود. بنابراین، از آزمون T با درجات آزادی تعدیل شده استفاده می‌شود. سطح معنی داری آماره t با فرض عدم تساوی واریانس‌های دو گروه برابر با ۰/۰۲۹ است که نشان می‌دهد بین میانگین دو گروه در عامل محافظه کاری شرطی حسابداری تفاوت معنی داری وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت درصد مالکیت دولتی بر سطح محافظه کاری شرطی حسابداری تأثیر دارد. بنابراین، فرضیه دوم تحقیق را نمی‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ رد نمود. همچنین، نتایج نشان می‌دهد میانگین محافظه کاری در شرکت‌های با درصد مالکیت دولتی بالاتر برابر با ۰/۲۵۴٪ و در شرکت‌های با درصد مالکیت دولتی پایین تر برابر با ۰/۰۸۹٪ می‌باشد. بنابراین تأثیر مثبت درصد مالکیت دولتی بر محافظه کاری شرطی حسابداری در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به تحلیل فرضیه‌ها، در این تحقیق رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه کاری شرطی حسابداری از طریق تحلیل داده‌های تحقیق مد نظر قرار گرفت، این تحقیق دارای دو فرضیه می‌باشد که فرضیه اول مبنی بر بررسی وجود رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه کاری شرطی

حسابداری در شرکت‌های مورد مطالعه می‌باشد که از طریق مدل بال و شیوا کومار مورد آزمون قرار گرفت و نتیجه این مدل وجود رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری شرطی حسابداری در شرکت‌های مورد مطالعه را تایید می‌کند. و از بین متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل، (اندازه شرکت و اهرم مالی) اندازه شرکت رابطه مثبت با محافظه‌کاری شرطی داشته و اهرم مالی رابطه منفی با محافظه‌کاری شرطی حسابداری دارد و با تحقیقات گارسیا لارا و همکاران (۲۰۰۹) همسو است. فرضیه دوم محافظه‌کاری شرطی در شرکت‌های با درصد مالکیت دولتی بالا متفاوت از شرکت‌های با درصد مالکیت دولتی پایین می‌پردازد این نتیجه حاصل شد که تأثیر مثبت درصد مالکیت دولتی بر محافظه‌کاری شرطی حسابداری در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید می‌شود و با تحقیقات چی و همکاران (۲۰۰۹) همسو بوده و معایر با مطالعه حساس یگانه و شهریاری (۱۳۸۹) می‌باشد

اینگونه استدلال می‌شود که بلوک داران، سرمایه‌گذاران بلند مدت نگری هستند که انگیزه و توانایی زیادی برای نظارت فعالانه مدیران دارند (بروس و کینی، ۱۹۹۴؛ حساس یگانه و شهریاری، ۱۳۸۹). در حمایت از این فرضیه، طرفداران آن دو دلیل را ذکر می‌کنند؛ اول این که اگر چه سهامداران بزرگ اختیار فروش سرمایه‌گذارهای خود را دارند، ولی بزرگی اندازه سرمایه آنها به حدی است که سهام در اختیارشان بدون تحت تأثیر قراردادن قیمت‌های سهام و کاهش ارزش آن قابل فروش نیست و بنابراین، آنها مجبورند که استراتژی بلند مدتی را بپذیرند و این باعث انگیزه بیشتر آنها برای نظارت فعالانه مدیر می‌شود. دوم این که بلوک داران نسبت به سهامداران کوچک توانایی بالاتری برای ارزیابی دقیقتر و کاراتر صورت‌های مالی دارند، چون اکثر آنها از میان سرمایه‌گذاران نهادی و سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ هستند که امکانات بالاتری را در اختیار دارند.

در کشورهایی مانند ایالات متحده و انگلیس که سرمایه در میان سهامداران بسیاری تقسیم گردیده است، نبود قدرت کنترل سهامداران بر روی هیئت مدیره، بزرگ‌ترین نقطه ضعف سیستم حاکمیت شرکتی به شمار می‌آید. در شرکت‌هایی که بخش بزرگی از سهام آنان در دست یک خانواده و یا دولت می‌باشد از دیدگاه شرکای عمده، سیستم حاکمیت شرکتی فاقد چنین ضعفی می‌باشد، چرا که این افراد یا تشکیلات دارای قدرت کافی جهت مداخله در مدیریت هستند (پاک مرام و دشتی، ۱۳۹۱).

با توجه به دلایل ذکر شده، می‌توان گفت که در این مطالعه فرضیه نظارت فعال تایید می‌شود، یعنی مالکیت بخش دولتی می‌تواند با دارا بودن تخصص مالی زیاد، منافع با اهمیت در شرکت‌ها، و بدون هیچ‌گونه محدودیتی، رفتار مدیران را در ارتباط با گزارش سودهای بی کیفیت اصلاح نموده و در نهایت محافظه کاری بیشتری اعمال نمایند.

در پژوهش از مدل محافظه کاری شرطی بال و شیواکومار (۲۰۰۵) استفاده شده است. در صورت استفاده از مدل‌های دیگر یا مدل محافظه کاری غیر شرطی حسابداری می‌توانست نتیجه متفاوتی به دست دهد. مورد دیگر حجم کم نمونه پژوهش است. به علت محدودیت‌های متفاوتی که جهت افزایش قدرت مطالعه و قابلیت مقایسه و تعمیم آن بر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تحمیل گردید، حجم نمونه کاهش یافت. این مورد، در عین حال که روایی درونی مدل را افزایش می‌دهد، موجب کاهش روایی بیرونی می‌گردد.

شرایط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی کشور و محیط حاکم بر بورس اوراق بهادار تهران و سطح آگاهی افراد دخیل در بازار سرمایه، بر عرضه و تقاضا، حجم مبادلات و رونق یا رکود بازار تأثیر داشته که این امر می‌تواند منجر به نتایج متفاوتی در محیط ایران شود.

محدودیت دسترسی به اطلاعات مالی شرکت‌ها موجب گردید تا برای انجام تحقیق از شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده گردد. بنابراین نتایج تحقیق در مورد سایر شرکت‌ها قابل تعمیم نخواهد بود. از طرف دیگر، دوره زمانی این تحقیق و نوسانات شدید در دوره مطالعه از محدودیت‌های تعمیم نتایج به شمار می‌رود. استفاده از دوره زمانی طولانی‌تر ممکن است نتایج متفاوتی ارائه نماید. در نهایت می‌توان اشاره کرد که اقلام صورت‌های مالی به واسطه آثار تورم تعدیل نشده است و این موضوع ممکن است بر نتایج پژوهش تأثیر بگذارد.

همچنین، در راستای پژوهش حاضر به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که

- با توجه به حذف شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و بیمه‌ها پیشنهاد می‌گردد تحقیقی در رابطه با مالکیت دولتی و محافظه کاری شرطی حسابداری در آن شرکت‌ها انجام پذیرد.
- در پژوهشی به مطالعه تأثیر مالکیت دولتی بر محافظه کاری غیر شرطی حسابداری و با استفاده از مدل‌های متفاوت محافظه کاری پرداخته شده و بایکدیگر مقایسه شوند.

- می توان به بررسی تأثیر سایر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی از جمله کمیته حسابرسی، سیستم حقوقی و نظارت قانونی و... بر محافظه کاری حسابداری پرداخت.

پی نوشت

۱ Verification

منابع

- اعتمادی، حسین، نوروش، ایرج، آذر، عادل و سراجی، حسن. (۱۳۸۹). "طراحی و تبیین مدل پیش بینی محافظه کاری حسابداری با تاکید بر ارتباط آن با میانگین موزون هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" نشریه مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۵. پاک مرام، عسگر و دشتی، جعفر. (۱۳۹۱). "حاکمیت شرکتی و هیئت مدیره"، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب.
- حساس یگانه، یحیی و علیرضا شهریاری (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ش ۴، ص. ۹۴-۷۷.
- دیندار یزدی، مهدی. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و نظام راهبری شرکتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اقتصادی و اداری.
- رضازاده، جواد و آزاد، عبدالله (۱۳۸۷)، "رابطه بین عدم تقارن اطلاع آینده و محافظه کاری در گزارشگری مالی"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دانشگاه تهران، ش ۵۴، ص ۸۰-۶۳.
- فروغی، داریوش و عباسی، جواد، (۱۳۹۰). "بررسی عوامل موثر بر اعمال محافظه کاری حسابداری" پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، سال اول، صص ۱۱۳ الی ۱۳۲.
- مشایخ، ش. و اسماعیلی، م. (۱۳۸۵)، بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۵.
- Ahmad, A. S. , & Duellman,. (2013). Managerial over confidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, Vol 51, No1, Pp1-30.
- Ball, R. , Shivakumar, L. , (2005) , Earning quality in U. K private firms", *Journal of Accounting and Economics*, vol. 39, pp. 83-128.
- Basu S. , (1997) , "the conservatism principle and the asymmetric timeliness of Earnings", *Journal of accounting and economics*, vol. 24, pp. 3-37.
- Brous PA, Kini O. (1994). The valuation effects of equity issues and the level of institutional ownership: evidence from analysts' earnings forecasts. *Finance Manage*, 33-46 [spring].
- Bugshun Turki. (2005). "Corporate Governance, Earning management an the information content of accounting earnings: theoretical model and Empirical Test", a dissertation in Bond university

- Chi, W. Wang, C. , (2010) , “Accounting conservatism in a setting of Information asymmetry between majority and minority holders”, the International journal of accounting.
- Desender, K. , Aguilera, R. , Crespi, R. , 8 Garcia_Cestone, M. (2011). “ Board Characteristics and Audit Fees: When Does Ownership Matter?”
- Garcia Lara, P. J. , Garcia Osma, B. and Penalva, F. , (2009). “accounting Conservatism and corporate governance”, Review of accounting studies.
- Givoly, D. , Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of Earnings, cash flows and accruals: has financial reporting become more Conservative? *Journal of Accounting and Economics*, 29 (3) , 287-320.
- Gul Sajid, Muhammad Sajid, Nasir Razzaq, Farman afzal. (2012). “Agency cost, corporate governance and ownership structure: the case of Pakistan”, international journal of business and social science, vol 3 (9) -pp 268-277
- Khan, M. , Watts, R. L. (2009). Estimation and empirical properties of a Firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of Accounting And Economics*, (48) , 132-150.
- Hand, J. R. M. (1990). 'A test of the extended functional fixation hypothesis. ' *The Accounting Review*, 65 (4) , 740–763.
- Kim O. (1993). Disagreements among shareholders over a firm's disclosure policy. *J Finance* , (2): 747–60.
- Pound, J. (1988). Proxy contest and the efficiency of shareholder oversight. *Journal of Financial Economics*, (20) , 237–265.
- Schipper, K. (1989). Commentary on earning management. *Accounting horizons*, 91–102. [December].
- Wuchun C, Chiawen Liu, Taychang Wang, (2009). “what affects accounting Conservatism: a corporate governance perspective”*Journal of Contemporary Accounting & Economic*.